

درس خارج
فقه نظام عمران شهری
جلسه ۳۶ (مسکن واسع ۳)

۹۵/۰۲/۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

مطلب سیزدهم از مباحث مربوط به فقه عمران شهری در ادامه مباحث مربوط به مسکن است. در بحث قبلی درباره سعه مسکن و وسعت مسکن از یک سو و استحباب وسعت مسکن و نیز کراهت تنگ بودن مسکن بحث کردیم و به همان اندازه از بحث اکتفا می‌کنیم.

بحث این جلسه مربوط به مباحث دیگر مسکن است؛ مساکن و محل‌های سکونت باید به شکلی ساخته شوند که اشراف بر یکدیگر نداشته باشند؛ به تعبیر ما، بحث درباره «امنیت اخلاقی فضای خانه» است. فضای خانه باید امنیت اخلاقی داشته باشد؛ امنیت اخلاقی یعنی کسانی که در خانه زندگی می‌کنند نباید حوزه اخلاق آن‌ها مورد تجاوز قرار گیرد. فضای اخلاقی خانه و کسانی که در خانه زندگی می‌کنند، باید دارای امنیت باشد.

معمولاً در ساخت خانه امنیت وسایل و امنیت جان صاحبان خانه ملاحظه می‌شود؛ هر خانه‌ای که ساخت می‌شود، یک در برای آن نصب می‌کنند و دیوارهای آن را طوری تنظیم می‌کنند که یک امنیت نسبی برای ساکنان خانه تأمین کند تا دزد نتواند به مال آن‌ها دست‌درازی کند یا اگر کسی به جان آن‌ها قصد سوئی دارد نتواند جان آن‌ها در معرض خطر قرار دهد. مخصوصاً در کشورهای اروپایی که رابطه با مسئله امنیت درون خانه خیلی ترتیبات و تشکیلات مفصلی دارند. حتی نوع مصالح ساختمانی، نوع درب و نوع پنجره و نوع دیوار و مصالحی که در ساختن دیوار به کار گرفته می‌شود، در تمام این ارکان و اجزای خانه، امنیت ساکنان خانه از لحاظ جانی و مالی رعایت می‌شود تا مال و جانشان در امان باشد و اگر کسی قصد سوئی به جان و مال آن‌ها داشته باشد نتواند به آن‌ها آسیبی بزند.

البته یک نوع امنیت هم وجود دارد که در فرهنگ غرب رعایت نمی‌شود و فضا، فضای ناامن است. در نظام عمران شهری هم این نوع امنیت در نظر گرفته نشده است؛ آن امنیت، امنیت روانی و امنیت اخلاقی است. خانه، خانه زن و محل استراحت اوست و او می‌خواهد در خانه راحت زندگی کند و کار کند. گفتیم که خانه باید از لحاظ محیط سعه داشته باشد بنابراین باید آسایش اخلاقی داشته باشد و کسی به ناموس صاحب‌خانه تجاوز نکند.

تجاوز به ناموس فقط این نیست که عمل زنا صورت گیرد؛ این اشتباه است که کسی تجاوز به ناموس را فقط زنا بداند البته زنا یکی از مصادیق بارز تجاوز به ناموس است و یکی از بدترین مصادیق سلب امنیت اخلاقی است اما سلب امنیت اخلاقی تنها این نیست. برای مثال با چشم نگاه کردن هم باعث سلب امنیت اخلاقی می‌شود. در

تأکید بر حجاب کمتر به این مسئله تعرض شده است که رعایت حجاب در کوچه و بازار به معنی حفظ امنیت اخلاقی جامعه است. این کمتر از ترور یک شخص نیست که یک کسی در خیابان خودش را به یک شکلی درمی آورد که امنیت اخلاقی جامعه را در معرض خطر قرار دهد و فضای امن جامعه را از لحاظ اخلاقی آلوده کند. اینکه کسی امنیت نداشته باشد و جانش از لحاظ معنوی و روانش از لحاظ اخلاقی امنیت نداشته باشد؛ خود یک نوع سلب امنیت بسیار خطرناک است. بسیاری از مشکلات جامعه از ناحیه عدم رعایت همین نوع از امنیت اخلاقی سرچشمه می گیرد. خب امنیت اخلاقی ساکنان خانه باید رعایت شود.

روایت متعددی در رابطه با عدم جواز اشراف بر خانه مردم وارد شده است؛ یعنی نباید کسی تطلع بر خانه مردم داشته باشد. تطلع یعنی سر کشیدن یا اشراف بر خانه دیگری.

مرحوم شیخ صدوق در حدیث مناهی - حدیث مناهی، حدیث مشهوری است درباره مجموعه آنچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن نهی فرموده است - به سندش روایت می کند:

«عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَطْلُعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ وَقَالَ مَنْ نَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَوْ عَوْرَةِ غَيْرِ أَهْلِهِ مُتَعَمِّدًا أَدْخَلَهُ اللَّهُ مَعَ الْمُتَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَبْحَثُونَ عَنْ عَوْرَاتِ النَّاسِ وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نهی کرده است که کسی به خانه همسایه اش سرکشی یا اشراف پیدا کند و در خانه همسایه اش چشم چرانی کند. این نهی، نهی از اطلاع بر در خانه است. روایت نمی فرماید که اگر زن همسایه را دید جایز نیست به او نگاه کند، اینکه جای خود دارد. مطلبی که ما می گوئیم از احکام مساکن است و غیر از عدم جواز نظر به نامحرم است؛ این بحث جای خود را دارد و حرمت نظر به نامحرم در همه جا وجود دارد. آنچه در اینجا مطرح است مسئله اطلاع علی دار الجار است، اشراف بر خانه همسایه داشتن مورد نهی قرار گرفته است.

اینکه می گوئیم بسیاری از مسائل فقهی در ابوابی پیدا می شود که این ابواب شاید با یک نگاه اول ارتباطی به این مطلب نداشته باشند یکی از این مسائل همین مسئله اطلاع بر خانه دیگری است. اکثر روایات مربوط به این موضوع را صاحب وسائل در ابواب دفن به مناسبت احکام مربوط به دفن آورده است. در ابواب الدفن، جلد دوم، صفحه ۸۸۵. روایات این باب را ایشان بیشتر در باب ۶۳ از ابواب الدفن وسائل آورده اند.

روایت اول، روایتی است که شیخ صدوق نقل می‌کند در وصیه النبی لعلی علیه السلام که روایت مفصلی است. در روایات مربوط به وصایا، هم وصیه النبی لعلی وارد شده، هم وصیه النبی لأبی ذر غفاری، هم وصیه النبی لسلمان، هم وصیه النبی لعمار و هم وصیه النبی لمقداد اما ولی مفصل‌ترین احادیث این وصایا، وصیه النبی لعلی علیه السلام است. در بخشی از این وصیت آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَرِهَ لِأُمَّتِي الضَّحِكَ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ التَّطَلُّعَ فِي الدُّورِ.»^۲

خدای متعال برای اُمت‌م دو چیز را نپسندیده است؛ یکی در گورستان و در بین قبرها خندیدن - زیرا گورستان جای تذکر و یاد موت و آخرت است و جای محاسبه نفس است، انسان خودش را محاسبه کند و ببیند در گذشته چگونه بوده است و آینده‌اش چه خواهد شد و جای قهقهه و امثال این چیزها نیست. - و دیگری اینکه کسی به خانه مردم سرکشی کند و نگاه بیندازد و چشم‌اندازی کند.

روایت دیگر را نیز مرحوم شیخ صدوق نقل می‌کند. مرحوم صدوق مرسلأ روایت می‌کند ولی در مجالس برای این روایت سند ذکر شده است که سند آن هم صحیح است، یعنی روایت صحیحة السند است:

«فِي الْخِصَالِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ وَ كَرِهَهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِي وَ أَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ وَ الرَّفَثُ فِي الصَّوْمِ وَ الْمَنُّ بَعْدَ الصَّدَقَةِ وَ إِيْتِيَانِ الْمَسَاجِدِ جُنْبًا وَ التَّطَلُّعُ فِي الدُّورِ وَ الضَّحْكُ بَيْنَ الْقُبُورِ.»^۳

خدای متعال شش خصلت را ناپسند دانسته است، هم برای من هم برای اوصیاء بعد از من و هم برای پیروان ما؛ «الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ» بازی کردن در نماز؛ -مانند بازی با تسبیح عبث یعنی بازی کردن با دست-. انسان باید در حال نماز حال خضوع و خشوع و حال توجه داشته باشد، «الرَّفَثُ فِي الصَّوْمِ»؛ انجام عمل جنسی در روزه ماه رمضان و در هنگام روزه‌داری، «و الْمَنُّ فِي الصَّدَقَةِ»؛ صدقه با منت دادن، «و إِيْتِيَانِ الْمَسَاجِدِ جُنْبًا»؛ با حال جنب

۲. وسائل الشیعة، ج ۳، ص: ۲۳۲

۳. همان، ح ۴

به مسجد رفتن، «و التَّطَلُّعُ فِي الدُّورِ»؛ سرکشی در خانه‌ها مردم کردن و «و الصَّحْكُ بَيْنَ الْقُبُورِ»؛ خندیدن در بین قبرها.

روایت چهارم را هم مرحوم شیخ صدوق روایت می‌کند که روایت دیگری از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است. در این روایت از ۲۴ خصلت نهی شده است که در بین این ۲۴ خصلت تطلع فی الدور وجود دارد. حدیث سوم از احادیث باب ۶۳ از ابواب الدفن است:

[«و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرَشِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ أَيْتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خَصْلَةً وَنَهَاكُمْ عَنْهَا إِلَى أَنْ قَالَ وَ الصَّحْكُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ التَّطَلُّعُ فِي الدُّورِ.»^۴]

روایت دیگر را نیز مرحوم شیخ صدوق در خصال روایت می‌کند که سند آن روایت هم صحیح است و عبارت آن نظیر روایت ست خصال قبلی است که بازهم التطلع فی الدور در بین آن‌ها آمده است.

روایت بعدی را مرحوم برقی در کتاب المحاسن به سندش روایت کرده است:

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَتَتْ كَرِهَهَا اللَّهُ لِي فَكَرِهْتُهَا لِلْأُمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِي وَ لَتَكْرَهَهَا الْأُمَّةُ لِاتِّبَاعِهِمْ مِنْهَا الصَّحْكُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ التَّطَلُّعُ فِي الدُّورِ.»^۵

این مجموعه‌ای از روایاتی بود که در بین آن‌ها روایات صحیح‌السند و محکمی هم هست که از تطلع در دور نهی می‌کند.

البته ممکن است گفته شود چون در سیاقِ روایاتِ نهی، در بین آنچه از آن نهی شده است اشیائی وجود دارد که قطعاً قرینه خارجی داریم بر اینکه نهی از آن‌ها نهی تنزیهی و کراهتی است و نهی تحریمی نیست؛ پس این سیاق دلالت خواهد کرد یا قرینه سیاق مانع از آن می‌شود که ما این نهی‌ها را حمل بر نهی تحریمی کنیم. این یک شبهه است.

۴. همان، ح ۳

۵. همان، ح ۶

اما جواب این شبهه آن است که ظهور روایات در نهی است؛ اگر فرمود کراهت و اگر فرمود نهی؛ ظهور در منع و تحریم دارد و هر جا قرینه خاصی آمد بر اینکه نهی، نهی تنزیهی است دست از این ظهور برمی داریم. لذا آنچه در حدیث مناهی آمده است و آنچه در این روایات آمده است که کره الله لأمتی و این مضامین؛ عبارت گره و نهی دلالت بر تحریم و منع دارد. مگر آنجا که دلیل داشته باشیم بر اینکه این نهی، نهی تنزیهی است. خب در اینجا دست از ظهور برمی داریم اما اگر دلیل نداشته باشیم ظهور به حال خود باقی است. لذا در حدیث مناهی یا سایر احادیثی که چند چیز پشت سرهم آمده است که رسول خدا ﷺ از آنها نهی می کرد و کراهت داشت و ما می دانیم در بعضی از این مسائل کراهت و منع، منع تنزیهی و کراهتی است و منع تحریمی نیست؛ خب در آنجایی که قرینه قائم می شود بر اینکه منع، منع تحریمی نیست دست از دلالت بر تحریم برمی داریم اما در آنجایی که قرینه قائم نیست چرا دست برداریم؟ ظهور نهی در تحریم است و لذا تطلع فی الدور حرام است.

بیان هم کردیم که تطلع فی الدور، غیر از نگاه به نامحرم است؛ یک وقت کسی به نامحرم نگاه می کند که این حرام است اما یک وقت کسی نمی داند کسی در خانه هست یا نیست، نامحرمی هست یا نامحرمی نیست؛ خود نگاه کردن در خانه مردم فی نفسه حرام است؛ به دلیل اینکه خانه یک حریم خصوصی است و نگاه کردن، تجاوز به این حریم است و این از دقیق ترین احکام اسلام است. حالا اگر تمدن الحادی غربی این مطالب را متوجه نمی شود ما که نباید از آنها پیروی کنیم. آنها اختلاط یا تجاوز چشم را تجاوز نمی دانند، اما ما می دانیم که تجاوز است. فرض کنید یک خانم نامحرمی در کوچه راه می رود؛ اگر شخص با دستش این خانم را لمس کرد این تجاوز است یا خیر؟ حالا اگر با نگاه هم این کار را انجام بدهد این تجاوز است و خرد کردن حریم امنیت فردی است. خود انسان هم باید این حریم امنیت را نگه دارد و بر او واجب است. لذاست که بر خود صاحب خانه واجب است خانه اش را طوری بسازد که این خانه محل اشراف دیگران نباشد و بر همسایه هم واجب است که خانه اش را طوری بسازد که خانه اش محل اشراف بر همسایه نباشد؛ یعنی باید راه را بر تطلع فی الدور را بست. لذاست که در سیستم خانه سازی و مهندسی خانه سازی باید طوری خانه سازی انجام گیرد که حیاط و حریم زندگی همسایه در معرض چشم اندازی و در معرض تطلع همسایگان نباشد. این امور باید در مهندسی خانه سازی شهرها رعایت شود.

و صلی الله علی محمد و آله و سلم